

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

داکتر محمد قراگوزلو

۱۹ اکتوبر ۲۰۱۸



داکتر محمد قراگوزلو

## سرمایه داری دولتی شوروی!

۲۶. بسترهای ظهور بوروکراسی

ستراتژی صنعتی‌سازی و تولید بیشتر، آونگ حرکت حزب به سوی جذب و جلب توجه متخصصان را سرعت بخشید. این متخصصان به نحو مشخصی از حقوق و امتیازات برتر جامعه برخوردار بودند. خلاف مناسبات و روابط اجتماعی حاکم بر کمون پاریس، در شوروی متعاقب اجرای نپ طیف تازه‌ای از اقشار فرادست به وجود آمدند که به موازات عقب نشینی‌های ناشی از گسترش مناسبات بازار و قیمت و سود و کالائی شدن نیروی کار و تفاوت فاحش دستمزدها در قلب حزب بلشویک پیش رفتند. آنان به جز مسؤولیت‌های فنی و مهندسی به تدریج در مصدر امور اداری و سیاسی جامعه نشستند. نپ فقط یک رفرم بورژوائی اقتصادی نبود. عقب نشینی سیاسی در برابر بورژوازی خلع بد شده روسیه نیز بود....

آیا بهره‌مندی از تخصص و استفاده ویژه مقامات ارشد دولتی و حزبی از امکانات موجود جامعه، بسترهای ایجاد فاصله طبقاتی و رشد بوروکراتیسم و انحطاط قدرت سیاسی را دامن زد و زمینه را برای عروج طبقه جدید بورژوازی روسیه مهیا کرد؟ آیا تهی شدن حزب حاکم از کادرهای کارگری در کنار حذف خونین مخالفان به نهادینه شدن سانترالیسم غیر دموکراتیک و بوروکراتیزاسیون روابط درون حزب و حزب با جامعه انجامید؟ آیا دولت شوروی (از زمان ستالین به بعد) به دلیل انحصار قدرت و کسب امتیازات ویژه اقتداری و سیاسی به سوی استفاده غیر سوسیالیستی از امکانات مادی و فرهنگی جامعه فرو غلتید و در مسیر تثبیت این روی-کرد غیر سوسیالیستی دست به تولید نیروی مولده و محرکه‌ای زد که حافظ این منافع بود؟ موتور این نیروی محرکه در کدام طبقه فعال بود و مناسبات اجتماعی و روابط تولیدی و توزیعی را چگونه به حرکت در می‌آورد؟ شکست سوسیال دموکراسی المان و عقب نشینی جنبش‌های کارگری در اروپا - به ویژه انگلستان - تا چه حد در نهادینه شدن انحطاط بوروکراتیک ایفای نقش کرده است؟ اساساً آیا بلشویک‌های نخستین و به ویژه لنین به خطر بالقوه بوروکراسی حزبی پی برده بودند؟

ارنست مندل چپستی ظهور جریان بوروکراتیسم حزبی را در روند کمونیسم جنگی و نپ یافته است. به نظر مندل عقب نشینی در جبهه اقتصادی هم‌زمان با یک گردش سیاسی نیز توأم بود که در نخستین گام حکم به ممنوعیت احزاب و گروه‌های سیاسی خارج حزب داد و در ادامه جناح چپ درون حزب را کنار نهاد. پارادوکس این روند در تقابل دو مشی متفاوت حد اکثر دموکراسی سیاسی

منطبق با شرایط جنگی از یکسو و روش مقابل آن در ماجرای نپ از سوی دیگر بود. به طور خلاصه این مؤلفه‌ها در سال‌های ۱۹۲۰-۱۹۲۱ نزد بلشویک‌های چپ و به ویژه شخص **لنین** مطرح بوده است.

- غیر کارگری شدن حزب حاکم و تصمیم‌گیری حزب به جای شوراهای ملی و محلی تا شورای کمیساریای خلق.
- قحطی اقتصادی بعد از کمونیزم جنگی و اوج‌گیری خطر ضد انقلاب. هر چند که پراکندگی کولاک‌ها اعم از ارتش‌های کلچاک، ورائنگل، دنکین و پیلورسکی ضد انقلاب را در موضع برتر نشان نمی‌داد.

- اگرچه از سال ۱۹۲۴ به بعد خطر فلاکت تا حدودی کنترل شد و تعداد مزدبگیران به اندازه سال ۱۹۱۶ بالا رفت و امکان خودگردانی و خود مدیریتی کارگران بر واحدهای تولیدی مهیا شد اما **لنین** از چنین فرایندی نتیجه متفاوت گرفت و هدفی مغایر با ساختارهای یک حزب کارگری را دنبال کرد. به نظر او «دیکتاتوری پرولتاریا، اما از مجرای تشکیلاتی که کل طبقه را در برگیرد قابل پیاده کردن نیست. چرا که در تمام کشورهای سرمایه‌داری، پرولتاریا هنوز بسیار تکه‌تکه و خوار و فاسد است... این دیکتاتوری را فقط توسط پیشگام طبقه - که انرژی انقلابی را در خود جذب کرده باشد - می‌توان پیاده کرد.» ( Lenin. Collected Works. ) (Vol.32, p.21)

**تروتسکی** نیز در همین سال‌ها در متن رساله " کمونیزم و تروریسم " و در مسیر دومین کنگره کمینترن همان مواضع **لنین** را باز نموده است. «پوزیسین کارگری شعار خطرناکی را مطرح می‌کند. آنان از اصول دموکراسی بت ساخته‌اند. آنان حق کارگران در انتخابات نمایندگان را بالاتر از حزب قرار می‌دهند. تو گوئی حزب محق نیست که دیکتاتوری‌اش را اعمال کند.» ( L.Trotsky, ) (1945. p.99)

بی‌تردید **لنین** و **تروتسکی** در اتخاذ چنین موضعی از اصول قاطعی که **مارکس** در "نقد برنامه گوتا" تدوین کرده بود، گذشته‌اند. به قول **مندل** «انسان از این که **تروتسکی** واژه "تزلزلات موقتی" را به کار می‌گیرد، در حالی که **لنین** از انحراف و فساد درازمدت طبقه کارگری سخن می‌گوید سخت دچار شگفتی می‌شود. بینش جانشین‌گرایی نزد **تروتسکی** در این ایام تا حدودی شبیه **لنین** است: "قدرت باید توسط الیگارش‌ی غیر رسمی رهبران حزبی اعمال شود." این که **لنین** - این مارکسیست بسیار فرهیخته - چند ده و یا حتی چند صد نفری را "پیشگام طبقه" قلمداد کند، بسیار مضحک می‌نماید.»

(مندل، ۸: ۱۳۸۵)

مستقل از درک و برداشت نادرستی که چپ علی‌العموم از هدف‌گزاری "چه باید کرد" به دست می‌دهد مسأله واقعی این است که **لنین** هرگز عنصر "پیشگام طبقه" را به عنوان اشاره به تشکیلات حزبی دولتی - که انتصابی بود - به کار نمی‌بست. **لنین** در دو سال آخر زندگی‌اش (۱۹۲۲-۴) بارها از رشد بوروکراسی در درون حزب اظهار نگرانی کرده بود.

**لنین** در جریان یازدهمین کنگره حزب (۲۸ مارچ ۱۹۲۲) به وضوح "خواستار جدائی و تفکیک کامل دستگاه حزبی از دستگاه‌های دولت شوروی شد" و در متن گزارش به چهارمین کنگره کمینترن اعتراف کرد " که ما دستگاه دولتی کهن را تحویل گرفتیم. این بدبختی ما بود. این دستگاه اغلب علیه ما عمل می‌کرد. پس از تسخیر قدرت در سال ۱۹۱۷ کارمندان دولت در کار ما اخلال می‌کردند. این امر ما را بسیار به هراس انداخت و ملت‌مان به آنان گفتیم "لطفاً برگردید" آنان همگی بازگشتند. آن هم بدبختی ما بود. امروزه ما صاحب ارتش عظیمی از کارمندان دولتی هستیم، اما فاقد آن نیروی به اندازه کافی بافرهنگ و فرهیخته‌ای هستیم که بتواند بر آنان نظارت واقعی داشته باشد. " **لنین** در آخرین مقاله‌اش تحت عنوان "بهتر است کمتر باشد ولی بهتر باشد" یک بار دیگر به بوروکراسی دولتی - حزبی حمله کرد و در گزارش به کنگره یازدهم با صراحت بیشتری به این موضوع پرداخت. "اگر شهر مسکو، با تنها ۴۷۰۰ کمونیست که مصدر مصاد و مناصب هستند را در نظر بگیریم و نیز اگر ماشین بوروکراتیک عظیم را هم در نظر بگیریم، آن‌گاه باید از خود بپرسیم که چه کسی هدایت می‌کند و چه کسی هدایت می‌شود؟ اگر کسی مدعی شود که این کمونیست‌ها هستند که این توده عظیم را هدایت می‌کنند باید کاملاً در ادعایش شک کرد. این کمونیست‌ها نیستند که هدایت می‌کنند، بل‌که آنان خود

هدایت می‌شوند. "مهم‌ترین تعرض به بوروکراسی و در عین حال ستراتیژی اساسی **لنین** برای مبارزه با فساد بوروکراتیک در وصیت‌نامه‌اش آمده است. "در واقع امر، ما دستگاه دولتی کهن را از تزار و بورژوازی تحویل گرفتیم... اینک با فرا رسیدن صلح و ارضای نیازهای حداقل در رابطه با قحطی و گرسنگی باید تمام هم خود را وقف بهبود دستگاه اداری کنیم. فکر می‌کنم چند دوجین کارگر عضو کمیته مرکزی بهتر از هر کس دیگری می‌توانند بر دستگاه اداری ما نظارت کرده و آن را بازسازی کنند. کمیساریای بازرسی دهقانی و کارگری که مسؤلیت این مهم را به عهده دارد،<sup>۱</sup> ثابت کرده است که از عهده انجام وظایفش بر نمی‌آید... کارگرانی که به عضویت کمیته مرکزی در می‌آیند، ترجیحاً باید از کسانی باشند که سابقه خدمت طولانی در بدنه‌های شوراهای را ندارند. چرا که این دسته از کارگران به نقد آن سنت‌ها و تعصباتی که قرار است علیه‌شان مبارزه کنند، آلوده‌اند. اعضای کارگر کمیته مرکزی باید عمدتاً از کارگران افسار پائینی باشند که حداقل پنج سال گذشته در بدنه‌های مختلف حکومت شوروی ارتقای مقام نداشته‌اند. کسانی که مقوله استعمارگر مستقیم و یا غیر مستقیم شامل حال‌شان نمی‌شود."

(Lenini, Collected Works, Moscow, 1977, p.677) - به نقل از:

(ارنست مندل، ۱۰-۱۲: ۱۳۸۵)

به ادعای **تروتسکی** پیش از کنگره دوازدهم **لنین** او را به اتاقش در کرملین فرا می‌خواند و ضمن وحشت‌ناک دانستن نفوذ بوروکراتیسم در دستگاه‌های دولت شوروی از ضرورت یافتن راه‌حل (تشکیل یک کمیسیون ویژه) و نقش‌آفرینی مؤثر **تروتسکی** سخن می‌گوید.

پاسخ **تروتسکی**: **ولادیمیر ایلیچ!** من به نبرد کنونی علیه بوروکراتیسم موجود دستگاه‌های شوروی اعتقاد راسخ داشته و سخت معتقدم که به هیچ وجه نباید بر آنچه که می‌گذرد چشم فرو بندیم. کارگران، متخصصان، اعضای حزبی و غیر حزبی در پایتخت و شهرستان‌ها، حتا در دفاتر ناحیه‌ای و محلی عمدتاً بر اساس وفاداری‌شان به این یا آن فرد سرشناس و صاحب قدرت در حزب و گروه حاکم در کمیته مرکزی دست‌چین و انتخاب می‌شوند. هر بار که علیه یک صاحب منصب کوچک مبارزه می‌شود، یک رهبر مهم حزبی را در مقابل خود می‌بینیم. با توجه با چنین اوضاع و احوالی من نمی‌توانم این مأموریت مهم را تقبل کنم.

**لنین**: به بیان دیگر من به شما پیش‌نهاد یک مبارزه علیه بوروکراتیسم در دستگاه شوروی را می‌دهم و شما گسترش این نبرد به منظور مبارزه علیه بوروکراتیسم در داخل دفتر سیاسی حزب را پیش‌نهاد می‌دهید.

**تروتسکی**: فرض کنیم که چنین باشد.

**لنین**: بسیار خوب پس پیش‌نهاد یک بلوک را می‌دهم.

**تروتسکی**: چه شغلی بالاتر از ایجاد بلوک با یک انسان خوب!

به اعتبار پیشینه و پشتوانه نقد بوروکراتیسم گمان زده می‌شود که **لنین** قصد داشت در کنگره دوازدهم حزب (۲۴ مه ۱۹۲۴) با ایجاد کمیسیون ویژه مبارزه با بوروکراتیسم در کمیته مرکزی نبردی جدی با فساد رو به گسترش دیوان سالاری را در دستور کار قرار دهد. اما:

### راستی دولت فیروزه بواسحاقی      خوش درخشید ولی دولت مستعجل بود

هنگام برگزاری کنگره دوازدهم **لنین** در میدان سرخ مسکو به خواب همیشگی فرو رفته بود و جانشینانش برای رد و نفی مفاد وصیت‌نامه او به تمهیدات نارقیفانه‌ای از جمله هذیان بیماری تکیه زدند.<sup>۲</sup> **بوخارین** در تمکین به سیاست‌های رهبری جدید از پایه‌های کارگری حزب فاصله گرفت و **تروتسکی** که تا آخرین لحظه عمر نیز همچنان از موضع بی‌ربط "دولت منحط کارگری" دفاع می-

<sup>۱</sup> در این برهه مسؤل کمیساریای بازرسی دهقانی و کارگری ستالین بوده است.

<sup>۲</sup> ن.ک.به: وصیت‌نامه **لنین** (موشه لوین ۱۹۷۹ آخرین پیکار **لنین**، انتشارات مینوی)

کرد، در این دوران به پاندولیسیم نظری گرفتار آمد. از کنار این دو خط و در غیاب لنین جریان ستالین با قاطعیت عروج کرد....  
ادامه دارد....

۲۰ مهر [میزان] ۱۳۹۷